

مقدمه

آموزش و پرورش در همه کشورهای جهان مسئله بزرگی برای دولت‌هاست. حتی پیشرفته‌ترین نظام‌های آموزشی جهان مدام تئوری‌های جدیدی ارائه می‌دهند و می‌کوشند با ایجاد تغییرات لازم در نظام آموزش و پرورش خود، برای رویارویی با شرایط عصر جدید آماده شوند (پیشین). امروزه تقریباً تمام کسانی که به دنبال توسعه و اصلاحات هستند، در همه جای دنیا از آموزش و پرورش شروع می‌کنند. علم، تدریس، معلم، شاگرد، محتوای درسی و مدرسه در حال احراز تعاریف جدیدی هستند. جهانی شدن موجب از بین رفتن بسیاری از مرزهای سنتی آموزش و فناوری‌ها شده است. برای مثال، از بین رفتن مرز بین دولت‌های ملی و جامعه جهانی، بین فرهنگ ملی و خرده فرهنگ‌های تشکیل دهنده آن، مدرسه و جامعه محلی، خانه و مدرسه، آموزش و کار، دنیای کار و مؤسسات یادگیری، آموزش رسمی و غیررسمی، برنامه درسی از قبل تنظیم شده و انتخاب‌های افراد، انسان و ماشین، و حتی بین رشته‌های مختلف، موجب شده است چالش‌های عمده‌ای در آموزش ایجاد شود. به همین سبب، امروزه مدیران با مراکز آموزشی پر از ابهام، پویا و در حال تحول روبه‌رو هستند. (شاهی، ۱۳۸۹)

چالش‌های آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم را می‌توان ناشی از دیدگاه‌های نو به کارکردهای آموزش و پرورش دانست. این دیدگاه‌ها قطعاً رویکردهای متفاوتی را به مشکلات آموزش و پرورش ایران و توانمندی‌های آن اضافه می‌کنند و موضوعات گوناگونی را مطرح می‌سازند؛ مباحثی که هم در میان پژوهشگران و اندیشمندان آموزش و پرورش در سطح دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی مطرح هستند و هم نظر کارشناسان آموزش و پرورش، معلمان، والدین و جامعه را به خود معطوف ساخته‌اند. از مطالعه وضعیت موجود در آموزش و پرورش کشورمان می‌توان دریافت که در طول سال‌های اخیر، تلاش موفقیت‌آمیزی برای شناسایی این چالش‌ها و مقابله با آن‌ها به عمل آمده، اما به صورت جامع و کامل نبوده است و نظام آموزشی کشور کماکان به روش سنتی خود اداره می‌شود (پیشین).

به منظور برخورد با این مسائل و انطباق با تغییرات پیش آمده، برنامه‌ریزان و مربیان آموزشی باید گام‌هایی فوری و متهورانه برای تجدید سازمان آموزشی در تمامی جنبه‌ها و ابعاد بردارند. بدیهی است که غفلت از این کار به معنی سلب مسئولیت به نفع جهانی سازی و جریان متوالی آن است. در این مقاله تلاش شده است تا با بیان چالش‌ها، موانع و محدودیت‌های تدریس مطالعات اجتماعی و ارائه راهبردهای مؤثر برای

برخورد با این چالش‌ها و تحقق اهداف درس مطالعات اجتماعی از قبیل درونی کردن ارزش‌ها، توسعه مهارت‌های اجتماعی، گسترش فرهنگ ملی و دینی، جامعه‌پذیر ساختن جوانان و نوجوانان، و کسب عادت‌های رفتاری صحیح، گامی مؤثر برداشته شود.



مطالعات اجتماعی ششم دبستان



دربای عمان
۳۴/۵

چالش‌های درس مطالعات اجتماعی متوسطه اول

با توجه به یافته‌های حاصل از تحقیقات متفاوت در مورد علوم انسانی، تجربیات شخصی در طول خدمت و نظرات همکاران، چالش‌های موجود در درس مطالعات اجتماعی (تاریخ، جغرافیا و اجتماعی) را می‌توان در موارد زیر دسته‌بندی و بررسی کرد:

- الف** چالش‌ها و محدودیت‌های کتاب‌های درسی و نظام آموزشی
- ب** چالش‌ها و محدودیت‌های دبیران متوسطه اول؛
- پ** چالش‌ها و محدودیت‌های آموزگاران؛
- ت** مسائل و محدودیت‌های دانش‌آموزان؛

چالش‌های کتاب‌های درسی و نظام آموزشی

● کافی نبودن زمان پیش‌بینی شده برای آموزش درس مطالعات اجتماعی؛ بی‌توجهی به اقلیت‌های دینی، قومی و زبانی در تدوین کتاب‌های درسی؛ پرداختن به مطالب قدیمی در تدوین کتاب مطالعات اجتماعی و بی‌توجهی به موضوعات جدید و به روز؛ تکیه بیش از حد بر محفوظات و دوری گزیدن از آموزش تفکر انتقادی در تدوین کتاب‌های درسی؛ عدم توجه به بحث هویت ملی، اندیشه‌ها و مکاتب فکری، برخورد تمدن‌ها و جهانی‌شدن در تدوین کتاب‌های درسی؛ حجیم بودن مطالب کتاب مطالعات اجتماعی و فشردن مطالب کتاب، به خصوص بخش تاریخ و جغرافیا؛ وجود مطالب سه کتاب تاریخ، جغرافیا و اجتماعی در یک کتاب و اختصاص سه ساعت برای تدریس و انجام فعالیت‌های متنوع در درس‌ها؛ برگزار نشدن کلاس‌های ضمن خدمت با موضوع هویت ملی و اسلامی و مفاخر ملی؛ کلیشه‌ای بودن برخی از درس‌های کتاب اجتماعی و عدم کارایی آن‌ها در زندگی روزمره دانش‌آموزان؛ شباهت محتوای درسی برخی از درس‌ها با یکدیگر. (کریمی، ۱۳۸۹)

پیامدهای محدودیت‌های نظام آموزشی

● **پایین آمدن کیفیت تدریس:** با توجه به زمان محدود، امکان پرداختن به برخی موضوعات با استفاده از برخی روش‌ها و امکانات نوین آموزشی کم است و بیشتر هم‌وغم دبیران، صرف تمام کردن قسمتی از کتاب می‌شود که برای نوبت اول یا دوم در نظر گرفته شده است و تکرار و دوره درس‌ها برای آنکه دانش‌آموزان نمره بیاورند. در نتیجه، کیفیت تدریس پایین می‌آید.

● **محدودتر شدن ارزشیابی:** پرسش شفاهی مزایایی دارد؛ از جمله اصلاح فوری پاسخ، بیان راحت و انتقال راحت‌تر پیام. متأسفانه به دلیل کمبود وقت، در این درس امکان ارزشیابی شفاهی با چالشی جدی مواجه می‌شود. به دلیل کمبود وقت، بیشتر دبیران از پرسش‌های شفاهی چشم می‌پوشند و آزمون‌های کتبی را جایگزین آن می‌کنند. کمبود وقت امکان ارزشیابی تشخیصی مناسب هر درس و مرور آموخته‌های قبلی را نیز با مشکل روبه‌رو می‌سازد.

● **محدود شدن در چارچوب محتوای کتاب:** به دلیل کمبود وقت امکان پاسخ‌گویی مناسب به پرسش‌های دانش‌آموزان وجود ندارد. لذا بیشتر به محتوای کتاب که گاه

کافی و روزآمد نیست، توجه می‌شود. بر کسی پوشیده نیست که بار آوردن ذهنی پرسشگر یکی از هدف‌های نظام آموزشی است اما کمبود وقت زمینه سرکوب ناخواسته حس کنجکاوی و پرسشگری را پدید می‌آورد.

● **عدم استفاده از روش‌های نوین تدریس:** به دلیل کم بودن فرصت و وجود مطالب زیاد و گاهی شلوغی کلاس‌ها، امکان استفاده از روش‌های گروهی و بحث کم می‌شود. (کارگر، ۱۳۹۱)

چالش‌های دبیران مطالعات اجتماعی

● بی‌انگیزه بودن برخی از دبیران و کم اهمیت جلوه دادن درس مطالعات اجتماعی.

● شتاب‌زدگی در تدریس به‌منظور به پایان رساندن تمام صفحات کتاب که به خستگی و دلزدگی دانش‌آموزان می‌انجامد.

● آشنایی کم دبیران با شیوه‌های نوین تدریس و انگیزه کم آنان در اجرای کارهای گروهی که نتیجه آن استفاده دبیران از روش‌های سنتی تدریس، مانند روخوانی کتاب و سخنرانی است.

● محدود بودن اطلاعات برخی از معلمان تنها به کتاب درسی. برخی از آنان، حتی پس از چند سال تدریس، دیگر کتاب درسی را مرور هم نمی‌کنند. (کریمی، ۱۳۸۹)

● **خستگی معلم:** حرفة ارزشمند معلمی به دلایل بسیار با دیگر مشاغل تفاوت‌هایی دارد. معلم علاوه بر تدریس و ارزشیابی شفاهی و کتبی از دانش‌آموزان، باید به آنان محبت و ورزد، عواطف مختلفی از خود بروز دهد، در آن واحد با چندین نفر با وجود تفاوت‌های فردی آشکار و نهان کنار بیاید، به پرسش‌های همه پاسخ دهد، از یادگیری تک‌تک دانش‌آموزان اطمینان حاصل کند، و برای ارتقای سطح کیفی کلاس تلاش کند، دانش‌آموزان را با یکدیگر آشتی دهد، آن‌ها را تشویق کند، ارتباط مؤثری بین خود، والدین و مدرسه ایجاد کند، و هر دانش‌آموز را در فرایند آموزش و یادگیری سهیم سازد. در این مورد مشکلات و فعالیت‌های معلم مطالعات اجتماعی بیش از سایر همکاران است: ارائه تکلیف‌های متفاوت و تهیه سؤالات ارزشیابی گوناگون برای سه موضوع محتوایی کتاب و سه پایه در یک روز و بررسی آن‌ها، بی‌توجهی دانش‌آموزان به تدریس معلم به دلیل امتحان یا پرسش ساعت پیش یا بعد، عدم استراحت در زنگ تفریح به علت حجم زیاد کار. (نیکو، ۱۳۸۷)

● **تجمیع ساعت‌های آموزشی:** برخی از آموزشگاه‌ها سه ساعت درس را پشت سر هم و در یک روز ارائه می‌دهند که هم برای معلم خسته‌کننده است و هم میزان درک و دریافت دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد.

● **توجه مطلق به ارزشیابی پایان ترم:** از سوی دبیران و دانش‌آموزان.

● **بی‌توجهی به علایق و انگیزه‌ها و ویژگی‌های روحی و جسمانی و توانایی‌های فکری دانش‌آموزان هنگام تدریس، در نتیجه روابط نامطلوب معلم و شاگرد.** (کارگر، ۱۳۹۱)

پیامد و محدودیت‌های دبیران مطالعات اجتماعی

● **بررسی تکالیف در ساعت غیردرسی:** هدف از تکلیف صرفاً نمره دادن نیست. بررسی آن در حالی که زمینه ذهنی دانش‌آموزان فراهم است و در حضور آنان، خود قسمتی از یادگیری است. به دلیل کمبود وقت، برخی از دبیران بررسی تکالیف را در ساعت غیرآموزشی انجام می‌دهند یا این کار را به سرگروه‌هایی می‌سپارند. در مورد فعالیت‌های خارج از کلاس همچون ارائه تحقیق توسط دانش‌آموزان نیز این مشکل وجود دارد.

● **نحوه نامناسب نمره‌گذاری، بارم‌بندی و ثبت نمرات تکوینی:** تقسیم فعالیت‌ها به اشکال و عناوین متفاوت با بارم‌های ریز و متنوع، موجب می‌شود که معلم برای ثبت نمره هر فعالیت به صورت جدا در جریان تدریس، به فرصت کافی و حتی یک منشی برای چک کردن و ثبت نمرات تکوینی نیاز پیدا کند. این خود مزید بر حجم زیاد تکالیف کتاب است.

● **محدودیت در برگزاری آزمون‌های ماهانه و فصلی:** آنجا که در حالت تجمیع، تدریس سه موضوع درسی کتاب در یک روز صورت می‌گیرد، اگر معلم بخواهد آزمون‌های کتبی برگزار کند، با محدودیت مواجه می‌شود. البته با برنامه‌ریزی دقیقی می‌توان این مشکل را برطرف کرد ولی در این حالت دانش‌آموزان به این گونه معلمان به چشم «معلمی که همیشه امتحان می‌گیرد» نگاه می‌کنند؛ نگاهی که نتایج عاطفی و روانی خوبی هم ندارد. اگر یک هفته مدرسه تعطیل شود، به دلیل آنکه حدود ۱۵ روز معلم و دانش‌آموز با هم برخورد نداشته‌اند و دانش‌آموزان از درس و موضوع درسی فاصله گرفته‌اند، شروع موضوع درسی جدید نیازمند زمان بیشتر، به‌ویژه برای مرور مطالب قبلی و زمینه‌سازی است. (پیشین)

● **یکنواخت شدن تدریس به‌ویژه تدریس بخش تاریخ:** توجه بیش از حد دبیران به نکات مهم کتاب، با یادگیری طوطی‌وار درس تاریخ از سوی دانش‌آموزان، عدم توجه به فنون داستان‌پردازی در محتوای موضوعات تاریخی و فشرده کردن تاریخ یک دوره در یک یا دو درس، وادار نمودن دانش‌آموزان به حفظ سؤالات و مفاهیم طرح شده دبیر، بی‌توجهی به تصاویر و فعالیت‌های موجود در کتب، درک کم دانش‌آموزان از اهمیت درس مطالعات اجتماعی برای زندگی از جمله پیامدهای یکنواخت شدن تدریس دروسی مانند تاریخ است.

● **از دست رفتن فرصت‌های آموزشی:** با توجه به اینکه برنامه‌های زیادی در مناسبت‌های مختلف در طول سال تحصیلی در آموزشگاه‌ها برگزار می‌شود. معمولاً در اکثر مدارس این برنامه‌ها در ساعات مطالعات اجتماعی، هنر و دروس به اصطلاح ساده برگزار می‌شود. همچنین برخی از تعطیلی‌ها با ساعات درسی برخورد می‌کنند.

● **کلاس مطالعات اجتماعی:** نبودن اتاقی جدا و فضای مناسب برای کارگاه حرفه‌وفن و آزمایشگاه علوم با وسایل کمک‌آموزشی که خود موجب اتلاف وقت و از بین رفتن وسایل دست ساخت بچه‌ها، نقشه‌ها و... می‌شود.

● **کافی نبودن کلاس‌های آموزشی ضمن خدمت:** متأسفانه

در زمینه مطالعات اجتماعی برای ارتقای سطح علمی دبیران از سوی برخی از مراکز آموزشی مناطق آموزش و پرورش کلاس‌های آموزشی خیلی کم برگزار می‌شوند. (نیکو، ۱۳۸۷)

چالش‌ها و محدودیت‌های آموزشگاه‌ها

● **دسترسی نداشتن برخی آموزشگاه‌ها به امکانات فناوری آموزشی؛**

● **پرجمعیت بودن کلاس‌ها در برخی از آموزشگاه‌ها؛**
● **نداشتن برنامه ای برای بازدید و گردش علمی دانش‌آموزان، مخصوصاً برای بخش تاریخ و جغرافیای کتاب؛**
● **استفاده از دبیران رشته‌های دیگر برای تدریس این درس‌ها؛**
● **بی‌اهمیت جلوه دادن درس مطالعات اجتماعی در برنامه‌ریزی نسبت به درس‌هایی چون ریاضی، فیزیک، شیمی و...؛**
● **نداشتن وسایل کمک آموزشی مناسب (نقشه، وسایل صوتی و تصویری و...) و نبود اتاقی مخصوص برای تدریس این درس‌ها که موجب اتلاف وقت، بی‌انگیزه شدن دبیران برای تدریس (استفاده از روش‌های فعال) و بی‌علاقگی دانش‌آموزان به این درس می‌شود. (کریمی، ۱۳۸۹)**

مسائل و محدودیت‌های دانش‌آموزان

● **بی‌توجهی دانش‌آموز به این درس به دلیل اینکه خانواده‌ها و اولیای مدرسه بیشتر بر دروس علوم پایه تأکید دارند. مخصوصاً اگر در برنامه روزانه، این درس با درس‌های علوم پایه با هم باشند، دانش‌آموزان بیشتر تکالیف درس‌های علوم پایه را انجام می‌دهند.**
● **توقع بیجا از دبیر خود برای کسب نمره قبولی؛ چون این درس را ساده می‌گیرند.**
● **بی‌علاقگی دانش‌آموزان به این درس به علت حفظی بودن، شباهت اسامی و... (کارگر، ۱۳۹۱)**
● **از بین رفتن اعتبار، شأن و ابهت معلم اجتماعی نسبت به سایر دبیران نزد دانش‌آموزان.**
● **بی‌عدالتی، هرج و مرج، و ظلم در حق دانش‌آموزان زرتنگ، (زمانی که دبیر فرصتی برای بررسی صحیح تکالیف و ارزشیابی مکرر ندارد).**
● **بی‌انگیزه شدن دانش‌آموزان و نبود رقابت در راه علم‌اندوزی؛ به‌طوری که این روزها اکثر دانش‌آموزان دوست دارند در دوره متوسطه دوم رشته تجربی بخوانند.**
● **مطالعه سطحی این درس توسط دانش‌آموزان مهارت کم آن‌ها در تحلیل و تفسیر.**
● **خستگی و دلزدگی دانش‌آموز به سبب فشرده‌گی تدریس و کمبود وقت که دیگر فرصتی برای ایجاد جو صمیمانه و عاطفی در کلاس باقی نمی‌گذارد. در مقابل، رفتار معلم بیشتر تحکم‌آمیز می‌شود تا بتواند این کمبود وقت را جبران کند. مشکل زمانی بیشتر می‌شود که دانش‌آموزان بدون در نظر گرفتن این موضوع، درس را با درس‌هایی که ساعات بیشتری برای تدریس و تمرین**

دارند، مقایسه کنند و نتیجه‌گیری نامطلوبی از روش تدریس و رفتار معلم در کلاس داشته باشند. (نیکو، ۱۳۸۷)

راه حل چیست؟

همه مشکلات موجود در یک بخش اجتماع به‌طور صددرصد قابل حل نیستند اما یک سلسله از عوامل به همت دبیران و عوامل اجرایی قابل اصلاح‌اند. با توجه به بررسی‌های به‌عمل آمده و متناسب با مسائل و مشکلات فوق و پیامدهای آن و ویژگی علوم اجتماعی، بدیهی است که بدون توجه به امکانات، واقعیات و ویژگی‌های علوم اجتماعی، و با استفاده از شیوه‌های یادگیری و تدریس سنتی نمی‌توان به اهداف نظام تعلیم و تربیت از آموزش علوم اجتماعی در مدارس دست یافت.

نتیجه‌گیری

امروزه که جهان به دهکده جهانی تبدیل شده، درس مطالعات اجتماعی در درونی کردن هنجارها و ارزش‌ها و جامعه‌پذیر ساختن دانش‌آموزان نمود برجسته‌ای پیدا کرده است. کودکان و نوجوانان، در جریان جامعه‌پذیری و یادگیری اجتماعی، تحت تأثیر برنامه‌های آموزشی و تفریحی و وسایل ارتباط جمعی و الگوگیری از فرهنگ غیر خودی و گروه‌های هم‌سالان، از مشاهده‌گران بی تفاوت به افرادی استدلال‌گر تبدیل شده‌اند و با فاصله گرفتن از الگوهای رایج سنتی، پایبندی آن‌ها به فرهنگ ملی و ارزش‌های سنتی کاهش یافته است. اکنون که پس از تلاش‌های علمی و به همت صاحب‌نظران، کارشناسان و... برنامه درسی ملی با رویکردی تحولی و نوآورانه در جهت توجه به حیطه‌های عاطفی و نگرشی و ایجاد تغییر اساسی در تعلیم و تربیت کشور تهیه و تدوین شده است، توجه به حوزه مطالعات اجتماعی برای رسیدن به اهداف فوق، اهمیت زیادی دارد. چرا که جامعه‌ای که افراد آن فرهنگ‌پذیر شده یا ارزش‌های معنوی و ملی در میان آنان درونی شده باشد، به قوه قهریه نیازی ندارد.

پس ضروری است در تدوین قانون اساسی آموزش و پرورش، زمان بیشتری در جدول توزیع زمان آموزش به حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، به‌خصوص در دوره ابتدایی و دوره متوسطه اول که بهترین دوره سنی برای رسیدن به اهداف این درس‌هاست، اختصاص یابد. در این صورت، مربیان فرصت کافی برای آموزش، استفاده از روش‌های مؤثر تدریس و درک شرایط خاص محیطی و خانوادگی یادگیرندگان خواهند داشت و هم‌متریبان در فرصت مناسب و با آرامش شایستگی‌های لازم برای مشارکت آگاهانه در فعالیت‌های اجتماعی و حفظ هویت شخصی خود به‌عنوان عضوی مؤثر و مفید برای جامعه را کسب خواهند کرد. متریبان زمانی می‌توانند به اهداف قلمرو مطالعات انسانی و اجتماعی برسند که فرصت کافی برای آموزش و کسب تجربیات واقعی در اختیار داشته باشند. اهمیت این رشته اگر بیشتر از ریاضیات، علوم تجربی و... نباشد، کمتر نیست.

امید است در تدوین برنامه درسی ملی این مسئله مهم مورد توجه

قرار گیرد و موانع، مشکلات و محدودیت‌های آموزش و یادگیری این درس برای مربیان و متریبان در نظر گرفته شود. البته شرط موفقیت تمام این برنامه‌ها معلمان هستند. معلمان باید به‌طور مداوم آموزش ببینند و مطمئن باشند که با علاقه وارد این حرفه می‌شوند. زیرا تا زمانی که معلمان متحول نشوند، نمی‌توان آمیدی به تغییر شیوه آموزش و پرورش داشت. حالا که تعداد دانش‌آموزان کاهش یافته است، می‌توان به بازآموزی معلمان پرداخت یا از استادان مجرب و باسابقه دعوت کرد تا به معلمان آموزش دهند و به تحول در نظام آموزش و پرورش کمک کنند.

منابع

۱. آشنا، حسام‌الدین؛ «اینترنت و امنیت فرهنگی - سیاسی» (مجموعه مقالات). کمیسیون ملی یونسکو. ۱۳۸۰.
۲. آدکانل، ام؛ «استانداردهای تدریس علوم اجتماعی، روش‌ها و منابع تدریس در علوم اجتماعی». ترجمه عباس کسکنی. فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی علوم اجتماعی. دوره پانزدهم. شماره ۳. تابستان ۱۳۹۲.
۳. الیس، سوزان و الیس، والن؛ **آشنایی با یادگیری از طریق همیاری**. ترجمه طاهره رستگار و مجید ملکان. نشر نی. چاپ ششم. تهران. ۱۳۸۲.
۴. تالیستون، دناواکر؛ **استراتژی‌های تدریس اثربخش**. ترجمه محمد جاودانی. نوید. شیراز. ۱۳۷۸.
۵. ترکمندی، حمیدرضا؛ «آسیب‌های فرهنگی در فرایند سیطره رسانه‌ها». وبگاه زیبا. ۱۳۸۳.
۶. ترکمندی، حمیدرضا؛ «عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان». وبگاه زیبا. ۱۳۹۱.
۷. ترکمندی، حمیدرضا؛ «روش‌های ایجاد انگیزه و ترغیب دانش‌آموزان به تحصیل». وبگاه زیبا. ۱۳۹۲.
۸. حائری‌زاده، خیره بیگم، سوده قاسم‌خانی؛ **لیلی محمدحسین. یادگیری از طریق همیاری**. نشر نی. چاپ دوم. تهران. ۱۳۸۲.
۹. حقیقت، محمدناصر؛ «نقش رسانه‌ها در آموزش ملی و یادگیری همیشگی». سایت بانک مقالات آموزشی. ۱۳۹۲.
۱۰. زبردستان، مرضیه؛ «نقش پژوهش در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در آموزش و پرورش». مجموعه مقاله‌های هفته پژوهش استان فارس. سازمان آموزش و پرورش. چاپ اول. شیراز. ۱۳۸۵.
۱۱. شاهی، خسرو و حبیب صبوری؛ «آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن؛ چالش‌ها و راهبردهای مواجهه با آن». دانشگاه آزاد اسلامی. واحد قیام‌دشت. ۱۳۸۹.
۱۲. شایان، سیاوش، و مهدی چوبینه و منصور ملک‌عباسی. **راهکارهای آموزش جغرافیا**. نشر شورا. تهران. ۱۳۷۷.
۱۳. شعبانی، حسن؛ **مهارت‌های آموزش و پرورش**. سمت. چاپ هیجدهم. تهران. ۱۳۸۳.
۱۴. صوفی، رازمند؛ «عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان». سایت اریکه فرهنگیان. ۱۳۸۹.
۱۵. عبداللهی، شیرزاد؛ «چالش‌های آموزش و پرورش ایران چیست؟». سایت زیبا. ۱۳۹۲.
۱۵. قاسمی، فرشید؛ **راهبردهایی برای خلاقیت در معلمان و دانش‌آموزان**. آزمون نوین. تهران. ۱۳۸۰.
۱۶. کارگر، ربیوار؛ «نقدی بر رویه معمول در اختصاص زمان آموزشی به دروس علوم اجتماعی». سایت کیمیاگران. ۱۳۹۱.
۱۷. کاظمی، یحیی. **کلیات روش‌ها و فنون تدریس**. انتشارات جهاد دانشگاهی. چاپ اول. تهران. ۱۳۷۴.
۱۸. کریمی، رنگینه. «علل افت تحصیلی در دروس علوم اجتماعی». سایت زیبا. ۱۳۸۹.
۱۹. نیکو، فاطمه؛ «راهکاری عملی برای افزایش کارایی دبیران علوم اجتماعی دوره راهنمایی» (اقدام‌پژوهی). ۱۳۷۷.